

تحلیل قرآنی و جرم‌شناختی پیش‌گیری از جرم با رویکرد فردی، اجتماعی و وضعی

نگارندگان: پوهنمل عبدالقدیر ندائی^۱ نامزد پوهنپار امیدشاه احمدی^۲

چکیده

دیپلماسی پیش‌گیری از جرم از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه قرآن‌کریم و جرم‌شناسی معاصر است. قرآن‌کریم با ارائه مجموعه‌ای از آموزه‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی، درصدد کاهش زمینه‌های بروز جرم و انحراف در جامعه انسانی است. تحقیق حاضر با هدف تحلیل قرآنی و جرم‌شناختی پیش‌گیری از جرم با رویکرد فردی، اجتماعی و وضعی انجام شده است. مسئله اصلی تحقیق این است که آموزه‌های قرآن‌کریم چگونه با سازوکارهای شناخته‌شده جرم‌شناسی در زمینه پیش‌گیری از جرم، قابل تبیین و تحلیل هستند. هم‌چنان، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که پیش‌گیری فردی، اجتماعی و وضعی در قرآن‌کریم چگونه تبیین شده و این آموزه‌ها چه نسبتی با رویکردهای نوین جرم‌شناسی دارند؟ روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای، از جمله آیات قرآن‌کریم و منابع جرم‌شناسی، گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن‌کریم در حوزه پیش‌گیری فردی بر ترکیه نفس، تقوا، عبادات، توبه و کنترل تمایلات نفسانی تأکید دارد؛ در حوزه پیش‌گیری اجتماعی بر استحکام خانواده، عدالت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و تربیت دینی توجه می‌کند؛ و در حوزه پیش‌گیری وضعی نیز با راه‌کارهایی همچون حجاب، کنترل نگاه، رعایت حریم‌های خصوصی و نظم اجتماعی، فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود می‌سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میان آموزه‌های قرآنی و بسیاری از رویکردهای جرم‌شناسی در زمینه پیش‌گیری از جرم، همسویی قابل توجهی وجود دارد و قرآن‌کریم نظامی جامع و چندبعدی را برای پیش‌گیری از جرم ارائه می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: پیش‌گیری اجتماعی، پیش‌گیری فردی، پیش‌گیری وضعی، جرم‌شناسی، قرآن‌کریم.

^۱ آمر و استاد دیپارتمنت حقوق جزا و علوم جنائی، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون هرات. (نویسنده مسئول) abqadeernadei@hu.edu.af^۲ <https://orcid.org/0009-0001-1957-7833>omidshah240@gmail.com^۲ استاد دیپارتمنت حقوق جزا و علوم جنائی، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون هرات.^۲ <https://orcid.org/0009-0009-0353-1214>

Qur'anic and Criminological Analysis of Crime Prevention with Individual, Social, and Situational Approaches



Authors: Senior teaching Assistant Abdul Qadeer Nadei³ Teaching Assistant Omid Shah Ahmadi⁴

Abstract

Crime prevention is one of the most significant issues addressed both in the Holy Qur'an and in contemporary criminology. By presenting a comprehensive set of educational, moral, and social teachings, the Holy Qur'an seeks to reduce the underlying causes of crime and deviant behavior in human society. This study aims to provide a Qur'anic and criminological analysis of crime prevention from individual, social, and situational perspectives. The main research question is how the teachings of the Holy Qur'an can be interpreted and analyzed in light of established criminological mechanisms for crime prevention. The study also seeks to examine how individual, social, and situational prevention are explained in the Qur'an and to what extent these teachings correspond with modern criminological approaches. The research adopts a descriptive-analytical method, and the required data were collected through library-based sources, including the Holy Qur'an and authoritative criminological literature. The findings indicate that, at the individual level, the Qur'an emphasizes self-purification, piety, worship, repentance, and the control of personal desires. At the social level, it highlights the strengthening of the family, social justice, enjoining good and forbidding evil, and religious education. Regarding situational prevention, it proposes measures such as modest dress, lowering the gaze, respecting privacy, and maintaining social order to reduce opportunities for criminal behavior. The results demonstrate a considerable degree of compatibility between Qur'anic teachings and many contemporary criminological approaches to crime prevention, suggesting that the Holy Qur'an offers a comprehensive and multidimensional framework for preventing crime.

Keywords: Social crime prevention, Individual crime prevention, Situational crime prevention, Criminology, Holy Qur'an.

³ Head and Lecturer of Criminal Law and Criminology Department, Law and Political Science Faculty, Herat University.

<https://orcid.org/0009-0001-1957-7833> Email: abqadeernadei@hu.edu.af

⁴ Lecturer of Criminal Law and Criminology Department, Law and Political Science Faculty, Herat University.

<https://orcid.org/0009-0009-0353-1214> Email: omidshah240@gmail.com



۱. مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ، أَمَّا بَعْدُ:

جرم و مجرمیت از مهم‌ترین چالش‌های جوامع انسانی در طول تاریخ بوده و همواره امنیت، نظم و آرامش اجتماعی را با تهدید مواجه ساخته است. هرچند نظام‌های جزایی از طریق جرم‌انگاری و تعیین مجازات درصدد مقابله با رفتارهای مجرمانه هستند، اما تجربه نشان داده است که پیش‌گیری از جرم، در مقایسه با واکنش جزایی، از اثربخشی بیشتر و هزینه‌های کمتری برخوردار است. از این‌رو، پیش‌گیری از جرم به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه اندیشمندان، جرم‌شناسان و سیاست‌گذاران جنایی تبدیل شده است.

در این میان، قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع هدایت و قانون‌گذاری در اسلام، افزون بر بیان احکام و ضمانت‌اجراهای جزایی، مجموعه‌ای از راه‌کارهای تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و رفتاری را برای جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های جرم و انحراف ارائه کرده است. بررسی آموزه‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که این کتاب آسمانی، رویکردی جامع نسبت به پیش‌گیری از جرم دارد و با تأکید بر اصلاح فرد، جامعه و محیط، زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.

در سطح فردی، آموزه‌هایی چون ایمان، تقوا، تزکیه نفس، نماز، روزه، توبه، ذکر الهی و کنترل تمایلات نفسانی، در راستای ایجاد خودکنترولی و مهار انگیزه‌های مجرمانه مطرح شده‌اند. در سطح اجتماعی، استحکام خانواده، تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر، آموزش و تربیت دینی و گسترش ارزش‌های اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین، در سطح وضعی نیز تدابیری همچون رعایت حجاب، کنترل نگاه، حفظ حریم‌های خصوصی و اجتماعی، منع اختلاط‌های فسادآفرین و ایجاد نظم در روابط اجتماعی، به‌منظور محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم پیش‌بینی شده است.

مسئله اصلی تحقیق این است که آموزه‌های قرآن کریم چگونه با سازوکارهای شناخته‌شده جرم‌شناسی در زمینه پیش‌گیری از جرم قابل تبیین و تحلیل هستند. اهمیت این تحقیق در آن است که

با تبیین ظرفیت‌های پیش‌گیرانه قرآن کریم، زمینه بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در سیاست‌گذاری‌های جنایی و برنامه‌های پیش‌گیری از جرم را فراهم می‌سازد. هم‌چنین، بررسی این آموزه‌ها می‌تواند نشان دهد که بسیاری از راه‌کارهای مورد تأکید جرم‌شناسی معاصر، ریشه‌ها و مشابهت‌هایی در تعالیم قرآن کریم دارند.

بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق عبارت است از این‌که: پیش‌گیری از جرم با رویکردهای فردی، اجتماعی و وضعی در قرآن کریم چگونه تبیین شده و این آموزه‌ها چه نسبتی با رویکردهای نوین جرم‌شناسی دارند؟

هدف اصلی تحقیق، تبیین و تحلیل قرآنی و جرم‌شناختی پیش‌گیری از جرم در سه سطح فردی، اجتماعی و وضعی و شناسایی مهم‌ترین سازوکارهای پیش‌گیرانه قرآن کریم است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی درباره پیش‌گیری از جرم در اسلام، سیاست جنایی اسلام و نقش آموزه‌های قرآنی در کنترل جرایم انجام شده است. از جمله، امیریان فارسانی و قدیری به نقش تقوا، تزکیه نفس و عبادات در پیش‌گیری از جرم پرداخته‌اند؛ حاجی ده‌آبادی کارکرد توبه و بازسازی شخصیت مجرم را بررسی کرده است؛ و برخی پژوهش‌ها نیز نقش خانواده، عدالت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر را در کاهش بزهکاری تحلیل کرده‌اند. با این حال، پژوهش مستقلی که پیش‌گیری از جرم را به‌صورت هم‌زمان در سه بعد فردی، اجتماعی و وضعی، با رویکرد تلفیقی قرآنی و جرم‌شناختی بررسی کرده باشد، کمتر مشاهده می‌شود؛ از این‌رو، تحقیق حاضر درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده‌های آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، مراجعه به آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر، منابع فقهی و آثار مرتبط با جرم‌شناسی گردآوری شده است. سپس داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شده‌اند تا ابعاد مختلف پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم و ارتباط آن با مباحث جرم‌شناسی تبیین گردد.

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی مقاله، در ذیل برخی از مفاهیم به گونه خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. تعریف پیش‌گیری

واژه پیش‌گیری در فرهنگ عمید به معنای جلوگیری، مانع شدن و دفع کردن پیش از وقوع است. بر این اساس، پیش‌گیری از جرم به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف جلوگیری از وقوع جرم و کاهش زمینه‌های ارتکاب آن اتخاذ می‌گردد (عمید، ۱۳۷۹: ص ۲۵). بنابراین، امروزه وقتی از پیش‌گیری از جرم سخن گفته می‌شود، مقصود از آن مجموعه فعالیت‌ها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشه‌ها و علل پیدایی جرم مبارزه می‌کند. پیش‌گیری جزایی و غیرجزایی اجتناب‌ناپذیر است و آنچه امروزه رویکردی جدید به چگونگی کنترل مجرمیت محسوب می‌شود، عبارت است از کلیه اقدامات فردی و عمومی، به‌جز اعمال حقوق جزا، با هدف از بین بردن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب اعمالی که جرم محسوب می‌شود (رشادتی، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

۲.۲. پیش‌گیری اجتماعی

پیش‌گیری اجتماعی یکی از بنیادین‌ترین شیوه‌های پیش‌گیری از جرم است که بر اصلاح عوامل زمینه‌ساز جرم تمرکز دارد. این نوع پیش‌گیری که غالباً در قالب پیش‌گیری اولیه و ثانویه اعمال می‌شود، به دنبال کنترل علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی مجرمیت است؛ به عبارت دیگر، هدف آن تغییر شرایط و بسترهایی است که ممکن است افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق دهد. در سیاست جنایی اسلامی نیز مفاهیمی مانند ترویج عدالت، تقویت عفاف، حمایت از محرومان، آموزش دینی و اخلاقی، پرهیز از اختلاط فسادزا، گسترش فرهنگ تعاون، رعایت حدود الهی و امر به معروف و نهی از منکر، همه از جلوه‌های پیش‌گیری اجتماعی هستند. این اقدامات در پی آن‌اند که فرد را به گونه‌ای تربیت کنند که نه تنها به جرم تمایل پیدا نکند، بلکه در برابر آن واکنش منفی نشان دهد. در آیات زیادی از قرآن کریم بر اصلاح روابط اجتماعی، پرهیز از ظلم، رعایت تقوا و التزام به احکام اخلاقی تأکید شده است که همگی در راستای سالم‌سازی اجتماع به‌عنوان محیط تربیتی عمل می‌کنند.

به‌طور نمونه، در سوره نور، از راهبردهای متعددی برای کنترل روابط جنسی و حفاظت از بنیان خانواده سخن رفته است که ناظر بر پیش‌گیری اجتماعی است. امروزه نیز نظریه‌های جرم‌شناسی، مانند نظریه فشار اجتماعی، نظریه پیوند افتراقی و نظریه‌های یادگیری اجتماعی، همگی بر نقش محیط و ساختارهای اجتماعی در پیش‌گیری از جرم تأکید دارند. از این منظر، مهم‌ترین نقش پیش‌گیری اجتماعی، جلوگیری از اجتماعی‌شدن انحرافی، گسست خانوادگی و تضعیف وجدان اخلاقی است (نوربها، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴).

۲.۳. پیش‌گیری وضعی

در مقابل پیش‌گیری اجتماعی که ناظر به اصلاح فرد و جامعه است، پیش‌گیری وضعی تمرکز خود را بر شرایط، فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا قرار می‌دهد. این نوع پیش‌گیری با هدف دشوار کردن ارتکاب جرم، افزایش هزینه‌های جرم، کاهش مزایای آن یا آسان‌سازی شناسایی مجرم عمل می‌کند. به‌طور مثال، نصب دوربین‌های نظارتی، افزایش روشنایی معابر، طراحی ایمن فضاهای شهری، محدودسازی دسترسی به وسایل جرم یا حضور فیزیکی پلیس در مناطق جرم‌خیز، از تدابیر پیش‌گیری وضعی به‌شمار می‌روند. اساس این رویکرد آن است که مجرم، حتی اگر انگیزه داشته باشد، نتواند فرصت یا امکان ارتکاب جرم را بیابد. در سیاست جنایی قرآن کریم نیز می‌توان مصادیقی از این نوع پیش‌گیری مشاهده کرد؛ برای نمونه، آیه حجاب (نور: ۳۱) یا منع ورود مردان بدون اجازه به خانه‌ها (نور: ۲۷) ناظر بر ساختار وضعی کنترل روابط و فضاها است. هم‌چنین، تأکید بر «يَعْزُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» برای مردان و «يَعْضُضْنَ» برای زنان، علاوه بر اصلاح فردی، نوعی انسداد مسیرهای جرم را نیز در بر دارد. در نگاه جرم‌شناسی نوین، نظریه‌های «فرصت جرم»، «فعالیت روزمره» و «انتخاب عقلانی مجرم» نیز بر اهمیت طراحی وضعی جرم‌ستیز تأکید دارند. پیش‌گیری وضعی، برخلاف پیش‌گیری اجتماعی که در بلندمدت بر عمق شخصیت فرد اثر می‌گذارد، دارای اثرات کوتاه‌مدت، ملموس و فیزیکی است (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰). خانعلی‌پور نیز پیش‌گیری وضعی را تلاشی برای ایمن‌سازی محیط و از بین بردن عوامل جرم‌زا می‌داند و آن را اقدامی بازدارنده می‌خواند که نه با اصلاح فرد، بلکه با جلوگیری از زمینه‌های جرم تحقق می‌یابد (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

۳. پیش‌گیری از جرم در آیات قرآن کریم

پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآن کریم به صورت نظام‌مند و در قالب سه نوع کلی قابل بررسی است: پیش‌گیری فردی، پیش‌گیری اجتماعی و پیش‌گیری وضعی. این تقسیم‌بندی، همسو با رویکردهای علمی معاصر در جرم‌شناسی، با تأکید بر ابعاد معنوی، اخلاقی و ساختاری جامعه اسلامی صورت گرفته است. پیش‌گیری فردی بر اصلاح درون فرد، تقویت ایمان، انجام عبادات و ترک معاصی تمرکز دارد. پیش‌گیری اجتماعی شامل تدابیری است که نهادهای اجتماعی، همچون خانواده، آموزش، رسانه و نظام اقتصادی، در جهت پیش‌گیری از انحراف ایفا می‌کنند. در مقابل، پیش‌گیری وضعی معطوف به محدودسازی فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق اصلاح محیط، افزایش نظارت، طراحی فضاهای شهری و نظایر آن است. قرآن کریم با ارائه نظام‌نامه‌ای فراگیر، هر سه حوزه را در بر می‌گیرد و نمونه‌های عینی متعددی از این اقسام در آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۶۱). در ذیل، سه سطح مهم و اساسی پیش‌گیری بر مبنای آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱. پیش‌گیری فردی و اخلاقی

پیش‌گیری فردی و اخلاقی از منظر قرآن کریم بر پرورش نفس، کنترل تمایلات درونی و ایجاد خودکنترولی استوار است. این نوع پیش‌گیری، با تمرکز بر اصلاح فرد و تقویت وجدان اخلاقی او، تلاش می‌کند تا مجرمیت در نطفه خفه شود. قرآن کریم با تبیین آموزه‌هایی چون توبه، یاد خدا، تقوا، صبر و عبرت از سرنوشت اقوام گذشته، مسیر هدایت فرد را از انحراف و جرم جدا می‌سازد. این مسیر مبتنی بر تغییر درونی، بصیرت معنوی و تقویت عقل عملی است. از این رو، در آموزه‌های قرآن کریم، فرد موظف است که پیوسته در مسیر تزکیه نفس حرکت کند و با پرهیز از محیط‌های آلوده، شرایط وسوسه‌انگیز و قرار گرفتن در موقعیت جرم، از ارتکاب آن اجتناب نماید. قرآن کریم بارها هشدار داده است که پیروی از نفس اماره، زمینه‌ساز فساد، گناه و در نهایت جرم خواهد بود. با آموزش این مفاهیم، فرد از درون کنترل می‌شود و این درونی‌سازی قانون و اخلاق، موجب کاهش چشم‌گیر گرایش به جرم می‌گردد. پیش‌گیری فردی و اخلاقی نه تنها راهبردی برای مصون‌سازی شخص در برابر لغزش‌ها

است، بلکه بنیانی برای ایجاد جامعه‌ای سالم و پاک فراهم می‌آورد؛ زیرا اصلاح جامعه بدون اصلاح فرد ممکن نیست (احمدی میر قانند، بی‌تا، ص ۷۱).

در ذیل، مصادیقی از پیش‌گیری فردی و اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳.۱.۱. اصلاح درون فرد (تزکیه نفس)

تزکیه نفس به‌عنوان مبنای پیش‌گیری فردی از جرم، در آموزه‌های قرآن کریم جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا قرآن کریم بر این باور است که فساد و مجرمیت در سطح جامعه، ریشه در اختلالات درونی و انحرافات اخلاقی فردی دارد. آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹-۱۰)، ترجمه: «به‌راستی رستگار شد آن‌کس که نفس خود را تزکیه کرد و بی‌شک محروم و ناامید گشت هرکس که آن را به پلیدی آلوده ساخت»، به‌روشنی نشان می‌دهد که فلاح و رستگاری در گرو تزکیه و تهذیب نفس است و انحطاط اخلاقی فردی، زمینه‌ساز تباهی اجتماعی خواهد بود.

امیریان فارسانی و قدیری در تحلیل خود بر اهمیت «اصلاح درون» در فرایند پیش‌گیری از جرم در نگرش قرآن کریم تأکید می‌کنند و با استناد به مبانی اخلاق اسلامی، تقوا، مراقبه و محاسبه نفس را ابزارهای مؤثر در کنترل امیال و غرایز انسان برمی‌شمارند که در صورت غفلت از آن‌ها، فرد به‌راحتی در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرد. این محققان بر نقش قرآن کریم در اصلاح انگیزه‌ها، تعدیل تمایلات و هدایت فرد به‌سوی خیر تأکید کرده و نشان داده‌اند که قرآن کریم با سازوکارهایی چون یاد مرگ، توصیه به تقوا و تأکید بر مسئولیت فردی در قبال اعمال خویش، درصدد اصلاح شخصیت فردی است که این امر، خود به‌طور غیرمستقیم از ارتکاب جرم پیش‌گیری می‌کند (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۹۳).

از منظر جرم‌شناسی نوین نیز، توجه به جنبه‌های روانی و اخلاقی در پیش‌گیری از جرم بسیار مهم تلقی می‌شود. ژرژ پیکا در اثر خود، با تأکید بر عوامل روانی مؤثر در مجرمیت، اصلاح شخصیت را شرط اساسی در مهار رفتار مجرمانه می‌داند. او معتقد است که بسیاری از جرایم، نه از سر نیاز اقتصادی یا شرایط اجتماعی، بلکه از نقص درونی، هیجان‌های غیرقابل کنترل، عقده‌های روانی و بحران‌های هویتی نشئت می‌گیرند. به باور پیکا، فرایند جرم‌زدایی واقعی، در گرو درمان و بازسازی شخصیت فرد

است؛ فرایندی که با ابزارهایی چون تربیت، پرورش روان، تلقین ارزش‌های اخلاقی و تقویت اراده امکان‌پذیر می‌شود. تحلیل‌های او، گرچه با دیدگاه غربی نگاشته شده است، اما با آموزه‌های قرآن کریم نیز هماهنگی دارد؛ زیرا قرآن کریم نیز فساد در عمل را محصول فساد در قلب و نیت می‌داند (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۲۰۵).

تزکیه نفس در گفتمان اسلامی و قرآن کریم تنها محدود به فرد نمی‌شود، بلکه زمینه‌ساز اصلاح جامعه نیز هست؛ زیرا فرد تزکیه‌شده، در برابر آسیب‌های اجتماعی، وسوسه‌های شیطانی و محرک‌های مجرمانه مقاوم‌تر عمل می‌کند. آیات متعددی از قرآن کریم، همچون «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷)، ترجمه: «خداوند جل‌جلاله فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد»، و «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)، ترجمه: «و نماز را برپا دار؛ همانا نماز انسان را از زشتی‌ها و کارهای ناپسند بازمی‌دارد»، بر نقش عبادت و تقوا در فرایند خوداصلاحی دلالت دارند. نتیجه آن‌که تزکیه درونی، نه‌تنها پیش‌گیری اخلاقی، بلکه نوعی ایمنی پایدار در برابر جرم را برای فرد فراهم می‌سازد. از این منظر، باید سیاست‌های جزایی مبتنی بر اصلاح و تربیت درون‌زا را بر مجازات‌محوری ترجیح داد (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۷۲).

۳.۱.۲. نقش نماز، روزه، توبه و ذکر (در پیش‌گیری از جرم)

در آموزه‌های قرآن کریم، اعمال عبادی مانند نماز، روزه، توبه و ذکر، ابزارهایی بنیادین در مسیر تزکیه نفس و اصلاح اخلاقی فرد تلقی می‌شوند که به‌طور مستقیم در کاهش گرایش به جرم و گناه مؤثرند. قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، که به‌وضوح نقش بازدارندگی نماز از فحشا و منکر را بیان می‌کند.

امیریان فارسانی و قدیری بر این باورند که نماز، به‌مثابه تمرینی روزانه برای نظم‌بخشی، تقویت تقوا و به‌یاد آوردن خداوند، نقش مهمی در ایجاد خودکنترولی ایفا می‌کند. آنان هم‌چنین تأکید دارند که فریضه روزه، با تقویت اراده فردی، تمرین ترک شهوات و آموزش مقاومت در برابر وسوسه‌ها، ساختار روانی و معنوی انسان را برای پرهیز از جرم تقویت می‌کند. در این راستا، یاد خداوند جل‌جلاله

و توبه نیز به عنوان فرایند بازگشت از خطا، موجب ترمیم شخصیت مجرم و ارتقای خودآگاهی اخلاقی او می شوند (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۲).

نماز و ذکر الهی، نه تنها به عنوان مناسک دینی، بلکه از منظر جرم شناسی دینی نیز دارای تأثیرات ژرف در پیش گیری از جرم هستند. در حقیقت، این اعمال با تقویت انس با معنویت، مانع از تسلط تمایلات نفسانی و انگیزه های مجرمانه می شوند. پیکا در نظریه های جرم شناسی خود اشاره می کند که در جوامعی که اعمال عبادی و اخلاق محور، مانند نماز و روزه، در فرهنگ عمومی نهادینه شده اند، شاخص های ارتکاب جرم در سطوح پایین تری قرار دارند. او با الهام از آموزه های اسلامی، به این نتیجه می رسد که انسجام دینی و احساس پاسخ گویی در برابر قدرتی برتر، عامل مؤثری در پیش گیری فردی محسوب می شود (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۴۶).

از سوی دیگر، نهاد توبه در قرآن کریم نه تنها راهی برای بازگشت فرد از گناه است، بلکه از منظر جرم شناسی اسلامی، سازوکاری اصلاحی به شمار می رود که به بازبانی عزت نفس و پذیرش مسئولیت از سوی فرد خاطی می انجامد. حاجی ده آبادی در بررسی تطبیقی خود میان نظریه های جرم شناسی کلاسیک و آموزه های قرآن کریم، بر اهمیت ذکر و توبه در کاهش میل به ارتکاب مجدد جرم تأکید دارد. وی معتقد است که قرآن کریم از طریق این ابزارهای معنوی، نه تنها ساختار روانی مجرم را بازسازی می کند، بلکه با بیدارسازی وجدان فرد، فرایند بازپذیری اجتماعی و خوداصلاحی را نیز تسهیل می سازد. این شیوه، برخلاف نظریه های سرکوب محور، به جای حذف مجرم، بر اصلاح و بازسازی او تمرکز دارد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

۳.۱.۳. آموزه های قرآن کریم در کنترل تمایلات مجرمانه

در آموزه های قرآن کریم، کنترل تمایلات مجرمانه به عنوان ریشه بسیاری از جرایم، جایگاهی برجسته دارد. قرآن کریم، انسان را موجودی مرکب از عقل، نفس و اراده معرفی می کند که در صورت عدم مهار نفس اماره، به سوی فساد، ظلم و ارتکاب جرم سوق پیدا می کند. در این زمینه، خودسازی درونی و استیلای عقل بر شهوت، اساس پیش گیری فردی و اخلاقی از جرم به شمار می آید. بسیاری از آیات قرآن کریم، با هشدار نسبت به پیروی از هوای نفس، انسان را به پرهیز از تمایلات

زیان‌بار دعوت می‌کنند. این کنترل درونی که از طریق ایمان، ذکر خداوند جل جلاله و باور به معاد تقویت می‌شود، فرد را در برابر وسوسه‌های بیرونی و فشارهای اجتماعی مصون می‌سازد. برنامه‌ریزی دقیق قرآن کریم در زمینه تلطیف روح، تعدیل غرایز و تقویت باورهای اخلاقی، عاملی تعیین‌کننده در مهار انگیزه‌های مجرمانه است. چنین نگاهی، از منظر جرم‌شناسی اسلامی، بر نقش مهم آگاهی‌بخشی درونی به‌عنوان راهبردی اساسی در کاهش جرایم تأکید دارد (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۱۲۷).

در آموزه‌های قرآن کریم، یکی از مؤثرترین روش‌های پیش‌گیری فردی و اخلاقی از جرم، تقویت اراده درونی و کنترل تمایلات نفسانی از طریق تمرین‌های معنوی و تربیتی مستمر است. قرآن کریم، با معرفی انسان به‌عنوان موجودی برخوردار از میل به خیر و شر، راه‌کارهایی برای غلبه بر میل به شر پیشنهاد می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به مراقبت از قلب، یاد خدا، توبه، پرهیز از زمینه‌های لغزش و تلطیف روح از طریق عبادات اشاره کرد. در این چارچوب، بسیاری از تعالیم قرآن کریم ناظر بر مهار خشم، بخل، حسد، شهوت بی‌ضابطه و دیگر عوامل درونی محرک به‌سوی جرم هستند. از منظر جرم‌شناسی قرآن کریم، بستر اصلی پیدایش جرم، ضعف انسان در برابر خواهش‌های نفسانی است؛ از این رو، برای کاهش گرایش به جرم، باید ریشه‌های درونی آن مهار شود. این نگاه، بر پایه تهذیب نفس و اصلاح اخلاق فردی استوار بوده و از کارآمدترین ابزارهای بازدارنده محسوب می‌شود (فاریابی، ۱۳۹۴، ص ۹۰).

یکی دیگر از راه‌کارهای قرآن کریم در کنترل تمایلات مجرمانه، توجه به عنصر «ذکر» و «خشیت الهی» است. یاد مداوم خداوند، نه تنها آرامش روحی ایجاد می‌کند، بلکه به‌عنوان بازدارنده‌ای قوی در برابر وسوسه‌های شیطان و خواسته‌های نامشروع عمل می‌نماید. قرآن کریم در آیات متعددی، به ذکر خداوند جل جلاله به‌عنوان سپری در برابر انحرافات اخلاقی اشاره کرده است. این راهبرد معنوی، قدرت عقل را در تصمیم‌گیری تقویت می‌کند و فرد را نسبت به عواقب اعمال خویش آگاه می‌سازد. کنترل درونی که از ذکر ناشی می‌شود، برخلاف کنترل بیرونی، از درون فرد نشئت می‌گیرد و پایدارتر است. این سازوکار، در جرم‌شناسی اخلاقی اسلامی، به‌عنوان خط مقدم پیش‌گیری

فردی شناخته شده است؛ زیرا تغییر در نگرش، احساس و اراده فرد نسبت به جرم ایجاد می کند و مانع از تبدیل میل به عمل مجرمانه می شود (طالبان، ۱۳۷۶، ص ۷۴).

نکته مهم دیگر در کنترل تمایلات مجرمانه، جایگاه رفیع توبه در قرآن کریم است. توبه، افزون بر بازگشت از گناه، مکانیزمی پیش گیرانه به شمار می آید که با فعال سازی وجدان و ندامت درونی، مانع تکرار جرم می گردد. قرآن کریم، در کنار دعوت به توبه، به آثار روانی و معنوی آن، چون طهارت قلب، سبکی روان و امید به مغفرت الهی اشاره می کند که همگی در کاهش زمینه های ارتکاب جرم مؤثرند. در تحلیل های جرم شناسی معنوی، این شیوه تربیتی در چارچوب آموزه های اخلاقی قرآن کریم، کارکردی دوگانه دارد؛ هم بازدارنده است و هم درمانگر. بنابراین، توبه یکی از راه کارهای اثبات شده در کنترل تمایلات مجرمانه از درون به شمار می رود (علیزاده، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵).

۳.۲. پیش گیری اجتماعی در قرآن کریم

پیش گیری اجتماعی از منظر قرآن کریم، دربرگیرنده تلاش هایی است که در سطح جمعی برای کاهش علل بروز جرم صورت می گیرد. قرآن کریم، با تأکید بر عدالت اجتماعی، نظارت همگانی و اصلاح روابط انسانی، الگویی پیش گیرانه ارائه می دهد که ناظر بر تقویت بسترهای اجتماعی سالم و پایدار است. آموزه هایی همچون امر به معروف و نهی از منکر، تأکید بر تعاون در نیکی و تقوا، و مقابله با ظلم و فساد، نشانگر آن است که ساختار اجتماعی باید به گونه ای سامان یابد که امکان بروز جرم به حداقل برسد. این نوع پیش گیری، ناظر به تغییر محیط و بسترهای جرمزا در جامعه است و در جهت افزایش سرمایه اجتماعی، انسجام اخلاقی و مسئولیت پذیری عمومی عمل می کند. در قرآن کریم، اصلاح جامعه بدون نقش آفرینی فرد و در عین حال بدون ساختار اجتماعی ای که مانع فساد و انحراف باشد، ناممکن معرفی شده است. بنابراین، تقویت فرهنگ عمومی، افزایش مشارکت های جمعی و گسترش آموزش های اخلاقی قرآن کریم در سطح خانواده، مدرسه و رسانه ها، از جمله راه کارهای پیش گیری اجتماعی محسوب می شود. این رویکرد، با ایجاد محیطی سالم، امکان وقوع جرم را کاهش داده و افراد را به رعایت هنجارهای دینی و قانونی ترغیب می کند (طالبان، ۱۳۷۶، ص ۸۶).

در ذیل، مصادیق پیش گیری اجتماعی در قرآن کریم مورد بررسی قرار می گیرد.

۳.۲.۱. اصلاح محیط و ساختارهای اجتماعی

قرآن کریم، با ارائه راهبردهایی برای اصلاح محیط اجتماعی، تأکید ویژه‌ای بر نقش این اصلاحات در پیش‌گیری از جرم دارد. یکی از اصول بنیادین در این زمینه، توصیه به برقراری عدالت، نظم اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، و مسئول‌سازی جامعه در برابر انحرافات رفتاری است. امیریان فارسانی و قدیری در بررسی خود از پیش‌گیری اجتماعی در قرآن کریم، تأکید می‌کنند که جامعه اسلامی موظف است با ایجاد نهادهای حمایتی، نظارتی و تربیتی، بسترهای ارتکاب جرم را از میان بردارد. ایشان باور دارند که اصلاح محیط اجتماعی نه با اقدامات صرفاً واکنشی، بلکه با اقدامات پیش‌گیرانه‌ای چون تقویت نهاد خانواده، ارتقای سطح تربیت دینی، ایجاد فرصت‌های سالم شغلی و تقویت سرمایه اجتماعی محقق می‌شود. در نگاه آنان، پیش‌گیری اجتماعی در قرآن کریم، با تکیه بر ایجاد بسترهای سالم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، رفتارهای هنجارمند را نهادینه کرده و تمایل به انحراف را کاهش می‌دهد. این رویکرد، با توجه به بافت فرهنگی - دینی جوامع اسلامی، یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای مهار جرم و جنایت محسوب می‌شود (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۴).

در منظر جرم‌شناسی، پیکا نیز بر نقش حیاتی محیط اجتماعی در گرایش یا عدم گرایش افراد به جرم تأکید دارد. وی بیان می‌دارد که هرچه محیط اجتماعی از سلامت، شفافیت، نظم و تعامل سالم برخوردار باشد، احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱).

۳.۲.۲. نقش خانواده، آموزش، عدل اجتماعی و عدالت اقتصادی

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی محوری در پیش‌گیری اجتماعی از جرم دارد و قرآن کریم نیز بر اهمیت این نهاد در تربیت اخلاقی، اجتماعی و دینی نسل‌ها تأکید ورزیده است. از منظر آموزه‌های اسلامی، خانواده سالم زمینه‌ساز رشد شخصیت متعادل و پایبند به ارزش‌های دینی و اخلاقی است؛ شخصی که در چنین محیطی پرورش یافته، کمتر در معرض لغزش‌های مجرمانه قرار می‌گیرد.

امیریان فارسانی و قدیری با تکیه بر آیات قرآن کریم، همچون آیه ۶ سوره تحریم که به لزوم مراقبت خانواده در برابر آتش دوزخ اشاره دارد، تأکید می‌کنند که خانواده مسئول اصلاح و تربیت

اعضای خویش است و باید با تعلیم اصول دینی، اخلاقی و اجتماعی از انحراف آنان جلوگیری کند. در تحلیل آنان، خانواده مطلوب قرآن کریم از طریق نظارت، محبت، آموزش صحیح و الگوسازی مثبت، در پیش گیری اولیه از جرم مؤثر است و این تأثیر به مراتب پایدارتر و عمیق تر از مداخلات رسمی دولتی است. ایجاد محیط امن، پرورش روحیه مسئولیت پذیری و پیش گیری از انحرافات رفتاری از جمله کارکردهای خانواده ای است که آموزه های دینی را مبنای عمل خود قرار داده است (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۶۷).

نقش آموزش در پیش گیری اجتماعی از جرم، از دیگر مباحث مهم در آموزه های قرآن کریم است که ریشه در توجه اسلام به تربیت انسانی دارد. حاجی ده آبادی در کتاب خود بیان می دارد که آموزش، فرایندی است که اگر بر پایه مفاهیم دینی، اخلاقی و اجتماعی صحیح بنا شود، می تواند موجب شکل گیری نظام ارزشی پایدار در افراد شود و تمایل به مجرمیت را کاهش دهد.

از دیدگاه وی، آموزش قرآن کریم هم در بعد معرفتی و هم در بعد رفتاری، مانع اساسی در برابر گرایش به جرم است. او بر این باور است که قرآن کریم با تأکید بر علم آموزی، تدبر، تعقل و شناخت، انسان را از جهل و انحراف دور می سازد. آیه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (الزمر: ۹)، ترجمه: «بگو آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسان اند؟» بر این اصل استوار است که انسان آگاه کمتر دچار خطا و گمراهی می شود.

در تحلیل حاجی ده آبادی، نظام آموزشی بر پایه ارزش های اسلامی نه تنها علم را منتقل می کند، بلکه اخلاق و مسئولیت اجتماعی را نیز درونی می سازد که خود مانعی جدی در برابر وقوع جرم است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰، ص ۸۲).

عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی نیز از ارکان حیاتی پیش گیری اجتماعی از جرم در آموزه های قرآن کریم اند. پیکا از منظر جرم شناسی، نابرابری های اجتماعی، تبعیض اقتصادی و شکاف های طبقاتی را از مهم ترین عوامل شکل گیری گرایش به جرم می داند. وی معتقد است هنگامی که انسان در محیطی نابرابر زندگی می کند، احساس بی عدالتی و ناکامی اجتماعی او را به سمت رفتارهای ضد اجتماعی سوق می دهد.

این دیدگاه با آیات متعدد قرآن کریم هم‌سو است که به برقراری قسط و عدل در جامعه فرمان داده‌اند؛ از جمله آیه ۸ سوره مائده: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى». ترجمه: «عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است». در تحلیل پیکا، پیش‌گیری از جرم باید با سیاست‌های کلان اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، حذف فقر ساختاری و ایجاد فرصت‌های برابر همراه باشد؛ زیرا چنین فضایی احساس عدالت را در افراد تقویت کرده و زمینه ارتکاب جرم را تضعیف می‌کند. عدالت اجتماعی نه‌تنها راه‌کاری برای توسعه پایدار است، بلکه در کاهش جرم نیز تأثیر مستقیم دارد (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹).

۳.۲.۳. نقش نظام تربیتی و آموزش قرآن کریم

در آموزه‌های قرآن کریم، تربیت و آموزش نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در فرایند پیش‌گیری اجتماعی از جرم ایفا می‌کند. نظام تربیتی در قرآن کریم هم‌زمان با ارائه اصول اخلاقی، بر ایجاد معرفت درونی، کنترل نفس و آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارد.

از منظر قرآن کریم، تعلیم و تربیت صحیح از دوران کودکی، که با ارزش‌هایی همچون صداقت، عدالت، پرهیزگاری و احترام به حقوق دیگران آمیخته باشد، باعث می‌شود فرد در برابر عوامل جرم‌زا مصونیت اخلاقی پیدا کند. در آیات متعددی مانند آیه ۲ سوره جمعه، آموزش کتاب و حکمت و تزکیه نفس به‌عنوان اهداف بعثت انبیاء^(ع) ذکر شده‌اند که به‌روشنی نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان آموزش دینی و پیش‌گیری اجتماعی است.

این آموزش‌ها، به‌ویژه در بستر خانواده و نهادهای دینی و فرهنگی، می‌تواند منجر به شکل‌گیری شخصیتی قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر و دارای وجدان اجتماعی گردد (امیریان فارسانی و قدیری، ص ۱۰۸).

از منظر علوم جرم‌شناسی کلاسیک نیز، نظام آموزشی کارآمد یکی از اساسی‌ترین ابزارهای پیش‌گیری اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ زیرا آموزش عامل رشد وجدان اجتماعی و انسجام فردی شده و می‌تواند در کاهش عوامل گرایش به جرم نقش محوری ایفا کند (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۹۴).

هم‌چنین در نگرش جرم‌شناسی اسلامی که برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم است، نقش تربیت صحیح به‌ویژه در ساختار خانواده و جامعه اسلامی بسیار پررنگ است. حاجی‌ده‌آبادی در اثر خود بیان

می‌کند که اصلاح رفتار فردی و پیش‌گیری از انحرافات رفتاری باید از طریق تعلیمات قرآن کریم نهادینه گردد.

وی با استناد به آیات تربیتی قرآن کریم تأکید دارد که آیات مرتبط با توصیه به صبر، صداقت، انفاق، وفاداری و پرهیز از فساد، زمینه‌ساز تربیت نسلی است که در برابر ناهنجاری‌ها مقاومت بیشتری خواهد داشت. از نگاه او، قرآن کریم نه تنها برای فرد، بلکه برای جامعه ساختاری اصلاح‌گر تعریف می‌کند که با بهره‌گیری از نظام تربیتی دینی، قدرت ایمن‌سازی اجتماعی در برابر مجرمیت را افزایش می‌دهد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۸۳).

۳.۳. پیش‌گیری وضعی در قرآن کریم

در آموزه‌های قرآن کریم، پیش‌گیری وضعی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم پیش‌گیری از جرم، نقشی محوری در کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم دارد. این نوع پیش‌گیری با تمرکز بر شرایط محیطی و فیزیکی، سعی در حذف یا محدودسازی زمینه‌های جرم‌زا دارد و با اقداماتی چون نظارت، کنترل و ایجاد موانع، موجب دشوار شدن وقوع جرم می‌گردد.

از منظر قرآن کریم، آیات مربوط به حجاب، نهی از خلوت با نامحرم، ممنوعیت نگاه‌های ناپاک، توصیه به عفت و حیا، سامان‌دهی روابط اجتماعی و اقتصادی، همگی مصادیقی از پیش‌گیری وضعی محسوب می‌شوند. برای نمونه، در آیه ۵۳ سوره احزاب دستور داده شده که هنگام ورود به خانه پیامبر^(ص) باید با اجازه و از پشت پرده باشد که این دستور نوعی پیش‌گیری وضعی جهت حفظ حرمت‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها تلقی می‌گردد.

هم‌چنین تأکید بر شفافیت در معاملات مالی و ممنوعیت کم‌فروشی نیز در همین راستاست؛ چرا که از شکل‌گیری فرصت برای تقلب و جرم مالی جلوگیری می‌کند. این اقدامات گرچه در ظاهر احکام عبادی یا اخلاقی هستند، اما در واقع نقش مهمی در پیش‌گیری محیطی از جرم دارند.

تحلیل‌های ارائه‌شده در منابع تحقیقی جدید نیز بر همین نکته تأکید دارند که رویکرد قرآن کریم در پیش‌گیری وضعی هم‌سو با مبانی نوین جرم‌شناسی است که بر مداخله پیشینی و حذف بسترهای جرم‌زا تأکید دارد (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰).

مطالعه تطبیقی آموزه‌های قرآن کریم با نظریات نوین نیز نشان می‌دهد که پیش‌گیری وضعی در اسلام از پشتوانه‌ای عمیق برخوردار است. به‌عنوان نمونه، ریتیرز به نقش نظم اجتماعی و شفافیت در کنترل جرایم اشاره می‌کند که با آیات قرآن کریم درباره نهی از خیانت، احتکار و کم‌فروشی سازگاری دارد (ریتیرز، ۱۳۷۴، ص ۱۸۲). این هماهنگی میان آموزه‌های قرآن کریم و نظریات نوین، دلالت بر کارآمدی و آینده‌نگری آموزه‌های اسلامی دارد که با ابزارهای نرم، فضا را برای جرم ناامن می‌سازد.

بنابراین، پیش‌گیری وضعی در قرآن کریم نه صرفاً مفهومی وارداتی، بلکه رویکردی اصیل و درونی است که در قالب دستوراتی چون الزام به عفاف، امانت‌داری، مراقبت از نگاه، عدم اختلاط بی‌ضابطه و شفافیت در تعاملات اجتماعی ظهور می‌یابد. مجموعه این دستورات، نوعی محیط جرم‌ستیز ایجاد می‌کند که از وقوع بسیاری از جرایم پیش از تحقق آن جلوگیری می‌نماید. این تحلیل بر پایه منابع معتبر و مطالعات انجام‌شده در حوزه قرآن کریم تأیید می‌کند که پیش‌گیری وضعی در قرآن کریم از بنیان‌های نظری و عملی نیرومندی برخوردار است (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰). در ذیل، تفصیلات بیشتر پیش‌گیری وضعی در قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳.۳.۱. آموزه‌های قرآن کریم مرتبط با پیش‌گیری از طریق اصلاح ساختارها

آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان منشأ الهی قوانین و ارزش‌ها، نقش بنیادینی در شکل‌دهی ساختارهای اجتماعی ایفا می‌کنند که زمینه ارتکاب جرم را به حداقل می‌رسانند. یکی از مباحث مهم در پیش‌گیری وضعی از جرم، اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای است که امکان ارتکاب جرم کاهش یابد. در قرآن کریم، مفاهیمی همچون رعایت عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق دیگران، شفافیت در معاملات و پرهیز از خیانت، همگی در راستای اصلاح محیط اجتماعی و جلوگیری از فساد هستند (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

در رویکرد خانعلی‌پور نیز، پیش‌گیری وضعی زمانی موفق خواهد بود که ساختارهای فیزیکی و محیطی که جرم در آن شکل می‌گیرد اصلاح شود. وی معتقد است که اصلاح محیط زندگی، مانند ایجاد امنیت شهری، نورپردازی معابر، نصب دوربین‌های مداربسته و ایجاد شفافیت در ساختارهای اداری، از روش‌های عینی اصلاح ساختارهاست که می‌تواند از بروز جرم جلوگیری کند. این مباحث،

اگرچه در حوزه نظری جرم‌شناسی مطرح می‌شوند، اما تطبیق آن با آموزه‌های قرآن کریم، به‌ویژه در سوره‌هایی که به امنیت اجتماعی، قسط و نظم می‌پردازند، بیانگر ارتباط عمیق میان ساختار محیطی و سلامت اجتماعی از منظر قرآن کریم است (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

از منظر جرم‌شناسی کلاسیک، ژرژ پیکا نیز تأکید می‌کند که یکی از عوامل کلیدی در پیش‌گیری از جرم، اصلاح نهادها و ساختارهایی است که افراد در آن رشد می‌کنند. او معتقد است که ساختارهای ناسالم اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی می‌توانند مستقیماً زمینه‌ساز مجرمیت باشند. این تحلیل با تعالیم قرآن کریم در خصوص مسئولیت‌پذیری دولت و جامعه در قبال سلامت ساختارهای تربیتی، فرهنگی و اقتصادی هم‌راستا است. به عبارت دیگر، آموزه‌های قرآن کریم نیز تأکید دارند که تنها راه مقابله با جرم، واکنش کیفری نیست، بلکه باید زمینه‌های وقوع آن با اصلاح ساختارها از میان برداشته شود (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۹۷).

در نتیجه، آموزه‌های قرآن کریم با ارائه رهنمودهایی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی (مانند نهی از ربا)، اجتماعی (مانند رعایت عدالت و امر به معروف) و فرهنگی (مانند ترویج علم و آگاهی)، نوعی رویکرد پیش‌گیرانه وضعی را بنیان‌گذاری می‌کنند که هم‌راستا با نظریات علمی و تجربی جرم‌شناسی مدرن است. این آموزه‌ها با ایجاد محیطی سالم و ساختاری پیش‌گیرانه، موجب کاهش جرایم در سطوح مختلف می‌شوند.

۳.۳.۲. نمونه‌هایی از موانع مادی و ساختاری در قرآن کریم (حجاب، کنترل نگاه، نظم اجتماعی و ...)

در آموزه‌های قرآن کریم، پیش‌گیری وضعی از جرم از طریق ایجاد موانع مادی و ساختاری جایگاهی برجسته دارد؛ مصادیقی مانند حجاب، کنترل نگاه، نظم اجتماعی، تفکیک روابط زن و مرد، شفافیت در تعاملات مالی و توصیه به عفت و حیا، همگی ناظر بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و تحدید بسترهای وقوع آن هستند. از جمله مصادیق بارز، توصیه قرآن کریم به رعایت حجاب برای زنان و نهی مردان از نگاه ناپاک است که در سوره نور (آیات ۳۰ و ۳۱) آمده است. این آیات نه تنها به رعایت

حدود رفتاری میان زنان و مردان اشاره دارند، بلکه در حقیقت به دنبال ایجاد ساختار رفتاری و اجتماعی مشخصی هستند که در آن، زمینه‌های تحریک جنسی و انحراف اخلاقی به حداقل برسد.

رشادتی در کتاب خود بر این نکته تأکید می‌کند که آموزه‌هایی چون حفظ نگاه، الزام به پوشش مناسب، پرهیز از خلوت با نامحرم و جداسازی بسترهای رفتاری در روابط اجتماعی، همه تدابیری هستند که قرآن کریم برای ایجاد موانع بیرونی جرم پیشنهاد داده است. او این موارد را در زمره پیش‌گیری وضعی طبقه‌بندی می‌کند، زیرا بدون نیاز به اعمال مجازات یا تهدید جزایی، تنها از راه مدیریت و مهندسی محیط اجتماعی، زمینه ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۹۴).

در کنار آموزه‌های قرآن کریم، مبانی جرم‌شناسی نیز به نقش ساختارها و تنظیمات محیطی در کاهش جرم توجه ویژه‌ای دارند. یکی از مؤلفه‌های اصلی در پیش‌گیری وضعی، تأکید بر نظم و کنترل در روابط اجتماعی است. قرآن کریم با وضع قواعدی همچون کنترل رفتارهای آشکار در جامعه، تنظیم روابط جنسیتی و منع اختلاط بی‌ضابطه، به دنبال ساختارمند کردن محیط اجتماعی و جلوگیری از هرگونه تحریک یا کشش به سمت رفتارهای خلاف است. به‌ویژه در جامعه اسلامی که معیارها و هنجارها منشأ دینی دارند، توجه به نهادهایی مانند خانواده، مسجد و آموزش و پرورش به‌عنوان مراکز نهادینه‌سازی نظم اجتماعی، راهبردی کارآمد در کاهش جرایم رفتاری و اخلاقی محسوب می‌شود. این‌گونه ساختارسازی محیطی و اخلاقی باعث می‌شود که افراد حتی در صورت داشتن میل مجرمانه، به دلیل فقدان بستر مناسب، امکان تحقق آن را نیابند (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷).

در چارچوب جرم‌شناسی نوین نیز، مفاهیم نظم، نظارت و کنترل به‌عنوان ابزارهای پیش‌گیری وضعی مورد توجه‌اند. یکی از عناصر اصلی در کنترل مجرمیت، ایجاد فضاهایی است که در آن مجرم احساس ناامنی و نظارت داشته باشد. ایجاد روشنایی کافی در معابر، نصب دوربین‌های مدار بسته، حضور پلیس و تقویت ساختارهای فرهنگی از عناصر مهم در کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم به‌شمار می‌روند. این تحلیل به‌صورت دقیقی با آموزه‌های قرآن کریم در زمینه کنترل اجتماعی، حضور مردم

در امر به معروف و نهی از منکر، شفاف سازی روابط اجتماعی و حفظ حدود رفتاری هم راستا است (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹).

۴. تطبیق آموزه های قرآن کریم با نظریات نوین جرم شناسی

آموزه های قرآن کریم در زمینه پیش گیری از جرم، با نظریات نوین جرم شناسی در سطحی بنیادین قابل تطبیق اند؛ زیرا هر دو رویکرد، به رغم تفاوت در مبانی فلسفی و جهان بینی، در شناسایی علل جرم و ارائه راه کارهای مؤثر برای کنترل رفتار مجرمانه، نقاط اشتراک بسیاری دارند. آموزه های قرآن کریم به جای تمرکز صرف بر مجازات، بر تربیت نفس، ارتقای آگاهی اخلاقی، تقویت باورهای دینی، گسترش فرهنگ عفاف، عدالت و مسئولیت پذیری فردی تأکید دارند که هم راستا با دیدگاه های نوین در حوزه پیش گیری اولیه و ثانویه است.

از سوی دیگر، نظریات جرم شناسی معاصر مانند نظریه کنترل اجتماعی، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه پیوستگی، همگی بر نقش نهادهای تربیتی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی در جلوگیری از بروز جرم تأکید دارند. قرآن کریم نیز با تأکید بر نقش خانواده، آموزش، مسجد، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح فردی، همین مسیر را دنبال می کند. لذا تطبیق آموزه های قرآن کریم با این نظریات، زمینه ای برای طراحی راهبردهای جامع و کارآمد در مدیریت اجتماعی و اخلاقی جامعه فراهم می آورد. تطابق میان نظریات نوین و آموزه های قرآن کریم، گواهی بر ظرفیت بالای آموزه های دینی برای تأمین امنیت اجتماعی و مبارزه با جرایم نوپدید در عصر حاضر است (خسروشاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

۴.۱. مقایسه با نظریات روان شناختی

مطالعه تطبیقی آموزه های قرآن کریم و نظریات روان شناختی در جرم شناسی نشان می دهد که هر دو رهیافت بر اصلاح فرد و مهار انگیزه های روانی جرم تأکید دارند. نظریات روان شناختی مانند روان کاوی، رفتارگرایی، نظریه شناختی و دیدگاه های مبتنی بر شخصیت مجرمانه، علل اصلی جرم را در اختلالات روانی، تجربیات آسیب زای دوران کودکی، یادگیری رفتارهای مجرمانه و ناکارآمدی شناختی در تشخیص درست از نادرست جست و جو می کنند.

در آموزه‌های قرآن کریم نیز با تأکید بر تهذیب نفس، تقویت تقوا، مراقبت بر افکار، نیت‌ها، گفتار و رفتار، به‌نوعی بر همان فرآیندهای بازسازی روانی فرد تکیه شده است. قرآن کریم با بهره‌گیری از مفاهیمی چون توبه، ذکر، خوف از خدا، صبر و وجدان بیدار، ساختاری از کنترل درونی و خودنظارتی را در فرد تقویت می‌کند که دقیقاً کارکردی مشابه راه‌کارهای شناختی-رفتاری در روان‌شناسی جرم دارد. از همین‌رو، قرآن کریم با مخاطب قرار دادن جنبه عقلانی و عاطفی انسان، همانند نظریات روان‌شناختی، به اصلاح درون انسان برای کاهش تمایلات مجرمانه پرداخته است؛ با این تفاوت که مزیت برجسته آن، بهره‌گیری از عنصر ایمان به‌عنوان موتور محرک بازدارنده درونی است که موجب پایداری بیشتر در اصلاح رفتار می‌شود (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱).

۴.۱.۱. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی از جمله نظریاتی است که رفتار مجرمانه را نه صرفاً ناشی از اختلال روانی یا عوامل زیستی، بلکه نتیجه تعامل فرد با محیط اجتماعی و یادگیری تدریجی از طریق مشاهده، تقلید و تقویت می‌داند. از منظر این نظریه، افراد در بستر اجتماع و از طریق گروه‌های مرجع خود، به‌ویژه در محیط خانواده، مدرسه و همسالان، با الگوهای رفتاری مواجه می‌شوند که ممکن است شامل رفتارهای مجرمانه نیز باشد.

چنانچه این الگوها توسط افراد مهم و تأثیرگذار تأیید یا تشویق شوند، احتمال تکرار آن‌ها افزایش می‌یابد. این فرآیند یادگیری از طریق تقویت مستقیم، الگوبرداری و مشاهده دیگران شکل می‌گیرد. آموزه‌های قرآن کریم نیز با تأکید بر نقش مهم اجتماع در شکل‌گیری شخصیت انسان، توصیه‌های متعددی درباره معاشرت با صالحان، دوری از همشینی با فاسقان، مراقبت از تأثیرپذیری اخلاقی و رفتاری از اطرافیان و لزوم الگوسازی صحیح ارائه می‌دهند. چنین آموزه‌هایی نشان‌دهنده درک عمیق قرآن کریم از نقش تعاملات اجتماعی در جهت‌گیری رفتاری انسان است که با محتوای نظریه یادگیری اجتماعی تطابق معنایی دارد (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲).

در ادامه می‌توان تأکید نظریه یادگیری اجتماعی بر مشاهده‌پذیری و دسترس‌پذیری الگوهای رفتاری را با روش‌های تربیتی قرآن کریم تطبیق داد؛ بدین‌صورت که قرآن کریم با معرفی پیامبران (ع)

به عنوان اسوه های حسنه، نه تنها زمینه الگوبرداری مثبت را فراهم می آورد، بلکه از تقلید کورکورانه از پیشینیان گمراه نیز نهی کرده است. این آموزه نشان می دهد که اسلام با انتخاب دقیق الگوهای تربیتی، بر فرآیند یادگیری از طریق مشاهده کنترل دارد.

در این چارچوب، انتخاب ناصحیح الگوها یا محیط های اجتماعی منحرف می تواند منجر به انحراف تدریجی افراد از مسیر درست گردد. بر همین اساس، نظریه یادگیری اجتماعی به خوبی قابل انطباق با مفاهیم تربیتی قرآن کریم است؛ زیرا هر دو بر ساختارهای محیطی، آموزش های غیرمستقیم و اهمیت تعاملات اجتماعی در رفتار انسانی تأکید دارند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶).

از منظر دیگر، تأکید آموزه های دینی بر نظارت اجتماعی و مسئولیت جمعی در قبال انحرافات رفتاری، با ابعاد اجتماعی نظریه یادگیری مطابقت دارد. به عنوان مثال، امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول قرآن کریم است که نشان دهنده وظیفه متقابل افراد جامعه در جلوگیری از نهادینه شدن رفتارهای مجرمانه است.

اگر نظریه یادگیری اجتماعی، جرم را حاصل یادگیری مستمر در بستر محیط اجتماعی می داند، آموزه های قرآن کریم با قرار دادن نهاد امر به معروف و نهی از منکر، در واقع این مسیر یادگیری را کنترل و هدایت می کنند تا از تقلید ناصحیح و یادگیری رفتارهای مجرمانه پیش گیری شود. بنابراین، آموزه های اسلامی نه تنها با نظریه یادگیری اجتماعی سازگارند، بلکه با ارائه راه کارهای کنترل ی در قالب آموزه های اخلاقی و اجتماعی، نقشی فعال در کاهش زمینه های ارتکاب جرم ایفا می کنند (طالبان، ۱۳۷۶، ص ۴۹).

۴.۱.۲. نظریه کنترل خود (گاتفرسون و هیروشی)

در نظریه کنترل خود، ریشه بسیاری از جرایم در ضعف مهارت های درونی و ناتوانی فرد در کنترل امیال آنی تحلیل می شود. این نظریه بر آن است که افرادی که در دوران کودکی از آموزش، تربیت و نظارت مناسب برخوردار نمی شوند، قدرت کنترل انگیزه های آنی و لذت جویانه را از دست داده و بیشتر در معرض ارتکاب جرم قرار می گیرند.

آموزه‌های اسلامی نیز با تأکید بر نقش تربیت ابتدایی در خانواده، دعوت به صبر، تقوا و خویش‌داری، همین مبنا را تقویت می‌کنند. از منظر قرآن کریم، کنترل نفس و دوری از هواپرستی به‌عنوان مهم‌ترین عامل در مصون ماندن از انحرافات رفتاری معرفی شده است. مفهوم تقوا در قرآن کریم، مصداقی از کنترل درونی است که مانع از ارتکاب جرم می‌شود. این هماهنگی میان مفاهیم دینی و مبانی نظریه کنترل خود نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن کریم، پیش‌دستانه‌تر و عمیق‌تر از بسیاری نظریات جرم‌شناسی معاصر به مسئله خودکنترولی پرداخته‌اند (امیریان فارسانی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۳).

از منظر روان‌شناختی، ناتوانی فرد در کنترل هیجانات، تکانه‌ها و خواسته‌های لحظه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز انواع انحرافات رفتاری شود. نظریه کنترل خود با تمرکز بر این ناتوانی، جرم را نه نتیجه فشار اجتماعی یا یادگیری تدریجی، بلکه ناشی از ضعف در درون فرد می‌داند.

قرآن کریم نیز با هشدار درباره پیروی از هواهای نفسانی، به‌ویژه در آیات مربوط به پرهیز از غضب، حرص، شهوات و خشم، به سازوکارهای روان‌شناختی اشاره دارد که در صورت مهار نشدن، می‌توانند به رفتارهای انحرافی منتهی شوند. سازوکارهای اخلاقی و عبادی در اسلام مانند نماز، روزه، مراقبه نفس و ذکر، ابزارهایی برای تقویت کنترل نفس هستند.

این ساختار دینی با هدف درونی‌سازی مهار در فرد، در راستای نظریه کنترل خود قرار می‌گیرد و آن را نه تنها تأیید، بلکه از لحاظ تربیتی نیز غنی‌تر می‌سازد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

در مقایسه با نظریه کنترل خود، آموزه‌های قرآن کریم فراتر از تأکید بر آموزش‌های اولیه یا نقش والدین، بر تقویت مستمر درونیات فرد در طول زندگی تأکید دارند. در واقع، اگر نظریه یادشده عمدتاً بر پایه رشد اولیه روانی-اجتماعی استوار است، در قرآن کریم سازوکارهایی برای تقویت مستمر اراده انسان در تمام دوره‌های عمر پیش‌بینی شده است.

برای مثال، تداوم در انجام فرایض دینی، محاسبه نفس، توبه، پرهیز از محیط‌های فاسد و هم‌نشینی با صالحان، همگی در مسیر تقویت خودکنترولی عمل می‌کنند. این جامع‌نگری در آموزه‌های

اسلامی نشان می‌دهد که رویکرد دینی به کنترل نفس، نه صرفاً متمرکز بر پیش‌گیری اولیه، بلکه یک نظام چندلایه و مستمر برای مراقبت از سلامت روانی و رفتاری فرد است (علیزاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵).

۴.۱.۳. تطبیق کنترل درونی در قرآن کریم با نظریه کنترل

در نظریه کنترل روان‌شناختی، پیش‌گیری از جرم ناظر بر پیوند فرد با نهادهای اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. این نظریه بر مؤلفه‌هایی چون دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور تأکید دارد که همگی در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرند و فرد را از ارتکاب رفتار مجرمانه باز می‌دارند. آموزه‌های قرآن کریم نیز بر فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها از طریق تقوا، یاد خدا، محاسبه نفس، پرورش وجدان دینی و پابندی به حدود الهی تمرکز دارد.

آیات متعددی در قرآن کریم، از جمله آیاتی که انسان را به تفکر در عواقب اعمال، توبه و نظارت دائمی خداوند جل جلاله فرا می‌خوانند، به‌وضوح سازوکارهای کنترل درونی را تبیین می‌کنند. در این چارچوب، عنصر ایمان به‌عنوان انگیزه‌بخش و بازدارنده از جرم نقش محوری دارد؛ زیرا فرد معتقد با باور به حساب‌رسی اعمال و حضور دائمی خداوند، در برابر تمایلات نفسانی مقاومت می‌کند. در واقع، قرآن کریم با تأکید بر نفس‌لوامه و نقش آن در کنترل رفتار انسان، سازوکار روانی-اخلاقی پیش‌گیری از جرم را در درون فرد نهادینه می‌سازد که این ساختار با نظریه کنترل به‌خوبی قابل تطبیق است (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵).

مطابق نظریه کنترل، اگر فرد از طریق پیوند با محیط‌های هنجارپذیر مانند خانواده، مدرسه یا دین، درونی‌سازی قواعد و قوانین را تجربه کند، احتمال ارتکاب جرم به‌شدت کاهش می‌یابد. این درونی‌سازی در نگاه قرآن کریم با مفاهیمی چون تزکیه نفس، تقوا و اخلاص در نیت تقویت می‌گردد. از دیدگاه قرآن کریم، ایمان واقعی با عمل صالح همراه است و یکی از نشانه‌های آن اجتناب از کارهای حرام و خلاف شرع می‌باشد.

در همین راستا، نقش نماز و سایر عبادات در تربیت روانی و رفتاری انسان آن‌چنان عمیق است که فرد را در برابر لغزش‌ها مصون می‌سازد. قرآن کریم با تمرکز بر انگیزش‌های درونی مانند خوف از عذاب الهی، امید به رحمت و رضایت پروردگار، فرد را به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که ارتکاب جرم

برای او نه تنها غیراخلاقی، بلکه ناپذیرفتنی تلقی گردد. این تأکید بر مراقبت درونی، کارکردی مشابه نظریه کنترل در جرم‌شناسی دارد که به کنترل رفتار از طریق وجدان و تعهد درونی توجه می‌کند (فاریابی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

از منظر پیش‌گیری قرآن کریم، کنترل درونی فرد از راه تعمیق ایمان و تکرار عبادات و ذکر، یک سازوکار دائمی است که پیوسته فرد را متذکر می‌سازد و مانع از فرو رفتن او در انحراف می‌گردد. چنین نظامی درون‌زا و پایدار است؛ زیرا برخلاف کنترل بیرونی که متکی بر قانون و نظارت رسمی است، نیازمند حضور دائمی ناظر نیست. قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه‌هایی مانند وعظ، انداز، بشارت و تصویرسازی از پاداش‌ها و عقوبت‌های اخروی، مخاطب را به مراقبت از خویش ترغیب می‌کند.

در چنین بستری، فرد مؤمن با یاد خدا آرامش می‌یابد و از جرم روی گردان می‌شود. این چارچوب رفتاری از نظر مبانی با نظریه کنترل، به‌ویژه در بعد روانی و شناختی آن، هم‌خوانی دارد؛ زیرا هر دو نظریه بر خودکنترولی، تأخیر در ارضای تمایلات و پایبندی به هنجارهای اخلاقی تأکید دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

۴.۲. مقایسه با نظریات وضعی

نظریه‌های وضعی در جرم‌شناسی بر این اصل استوارند که با ایجاد موانع عینی و ملموس می‌توان فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داد و از بروز رفتارهای مجرمانه پیش‌گیری کرد. این نظریه‌ها بر تدابیری چون کنترل فیزیکی فضا، نظارت مکانیکی و انسانی، روشنایی معابر، استفاده از دوربین‌های مداربسته و کاهش سود حاصل از جرم تأکید دارند.

آموزه‌های قرآن کریم نیز با تأکید بر عوامل بازدارنده ظاهری و بیرونی همچون حدود الهی، اجرای عادلانه مجازات‌ها، نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و مراقبت مستمر از رفتار فرد در بستر جامعه، تطابق چشمگیری با رویکرد وضعی دارند. از نگاه قرآن کریم، پیش‌گیری از جرم تنها به بعد درونی و فردی محدود نمی‌شود، بلکه از طریق کنترل‌های بیرونی، تهدید به عذاب الهی و نهادهای ساز نظام نظارت عمومی نیز تحقق می‌یابد.

رویکرد قرآن کریم حتی در تنظیم محیط اجتماعی و تربیتی نیز مؤلفه‌های وضعی را لحاظ کرده و از تکرار جرم از طریق اجرای حد، تعزیر و قصاص در جامعه پیش‌گیری می‌کند. این تدابیر همانند مکانیزم‌های وضعی در نظریه‌های نوین جرم‌شناسی هستند که به‌جای تمرکز بر اصلاح مجرم، بر حذف یا کاهش فرصت ارتکاب جرم تأکید دارند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۲).

۴.۲.۱. نظریه فرصت

در نظریه فرصت، ارتکاب جرم نه تنها به انگیزه و نیت، بلکه به شرایط و امکانات موجود در محیط نیز وابسته است. این نظریه تأکید می‌کند که اگر فرصت ارتکاب جرم فراهم نباشد، حتی افراد دارای انگیزه نیز از ارتکاب آن باز می‌مانند. در این راستا، اقداماتی مانند نظارت اجتماعی، به‌کارگیری دوربین‌های مداربسته، روشنایی معابر و طراحی شهری ایمن برای کاهش فرصت‌های مجرمانه مطرح می‌شود.

این دیدگاه که جرم تا حد زیادی تابع ساختار فرصت‌هاست، با نظریات جامعه‌شناختی نیز پیوند دارد که بسترهای اجتماعی و فرهنگی را در شکل‌گیری رفتار مجرمانه برجسته می‌سازند. در منابع اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم نیز مفهوم فرصت در زمینه ارتکاب گناه یا اجتناب از آن مورد توجه قرار گرفته و از مؤمنان خواسته شده است تا خود را در معرض موقعیت‌های لغزش و وسوسه قرار ندهند. آیات متعددی از قرآن کریم هشدار می‌دهند که نزدیکی به محیط‌های گناه یا افراد ناصالح می‌تواند زمینه‌ساز انحراف گردد؛ به گونه‌ای که دوری از آن‌ها خود نوعی پیش‌گیری محسوب می‌شود (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۳۲۵).

در نظام اسلامی، فرصت‌زدایی از محیط‌های جرم‌خیز تنها به ابزارهای فنی و محیطی وابسته نیست، بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز در آن نقش دارند. از منظر آموزه‌های قرآن کریم، تقویت ایمان، نظارت درونی، ترویج سبک زندگی سالم، تبیین عواقب جرم و ایجاد فرهنگ همیاری اجتماعی از مؤثرترین راه‌کارهای کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم هستند.

آیات قرآن کریم به‌صورت مکرر بر هشدار، تذکر، امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارند که همگی نوعی فرصت‌زدایی معنوی به‌شمار می‌روند. چنین رهیافتی نشان می‌دهد که نظریه فرصت صرفاً

ناظر بر شرایط فیزیکی نیست، بلکه در بستر اجتماعی و ارزشی نیز معنا می‌یابد. دیدگاه اسلامی با ترکیب این دو سطح، هم به تضعیف فرصت‌های جرم از درون و هم از بیرون توجه دارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵).

نظریه فرصت در تقاطع با نگرش فنی نیز قرار دارد؛ به گونه‌ای که طراحی فضاهای عمومی و محل‌های زندگی باید به گونه‌ای انجام شود که امکان ارتکاب جرم را کاهش دهد. کاهش نقاط کور، کنترل دسترسی و نظارت عمومی از جمله اقداماتی هستند که در این نظریه مطرح می‌شوند. آموزه‌های اسلامی نیز توصیه‌هایی در زمینه نحوه ساخت خانه‌ها، بازارها و تعاملات اجتماعی دارند که در کاهش بسترهای جرم مؤثر است.

به‌طور نمونه، دعوت به رعایت عفاف، حریم‌ها و ضوابط خانوادگی، همگی به شکل‌گیری نظمی منسجم می‌انجامد که فضای فرصت را محدود می‌سازد. این سطح از مدیریت فرصت، ترکیبی از راه کارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای پیش‌گیری اجتماعی از جرم را فراهم می‌کند (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۸۳).

۴.۲.۲. نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی بر این فرض استوار است که انسان‌ها موجوداتی منطقی‌اند که در فرایند ارتکاب جرم، سود و زیان حاصل از عمل مجرمانه را محاسبه می‌کنند. بر مبنای این تحلیل، زمانی که هزینه‌های احتمالی یک رفتار مجرمانه از منافع آن بیشتر باشد، افراد به سمت ارتکاب جرم نمی‌روند. بر همین اساس، مهم‌ترین ابزار پیش‌گیری در این نظریه، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم از طریق تقویت ضمانت اجراها، افزایش احتمال کشف، بازداشت، محاکمه و مجازات مجرم است.

تحلیل جامعه‌شناختی این نظریه، به‌ویژه در حوزه پیش‌گیری وضعی و فنی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ چراکه فرض می‌کند مجرم، فرصت و شرایط جرم را می‌سنجد. در نتیجه، هرچه فضا و موقعیت برای ارتکاب جرم محدودتر شود و فرصت‌های ارتکاب جرم کاهش یابد، احتمال اقدام مجرمانه نیز کاهش خواهد یافت. نظریه انتخاب عقلانی بخشی از تبیین علل جرم در عصر مدرن را تشکیل می‌دهد

که با ابزارهایی چون افزایش نظارت اجتماعی، گسترش دوربین‌های نظارتی و تقویت بازدارندگی قانونی در پیش‌گیری از جرم مورد توجه قرار می‌گیرد (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

از منظر آموزه‌های اسلامی نیز می‌توان با معیار عقلانیت ابزاری، این نظریه را مورد بررسی قرار داد. در مفاهیم قرآن کریم، عقل یکی از قوای اصلی انسان تلقی می‌شود که با آن، حق از باطل تشخیص داده شده و مسیر درست انتخاب می‌گردد. آموزه‌های اخلاقی، تهذیب نفس و خوف از عذاب الهی نیز به‌نوعی سازوکارهایی برای محاسبه هزینه‌ها و نتایج اعمال به شمار می‌روند.

آموزه‌هایی مانند یادآوری حساب و کتاب دقیق در روز قیامت، هشدار نسبت به عذاب دردناک، و دعوت به عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها، همگی در جهت کنترل رفتاری مبتنی بر سنجش عقلانی عمل می‌کنند. در این زمینه، تبیین نظام ثواب و عقاب در دین، همانند افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، به‌گونه‌ای در کاهش مجرمیت نقش دارد. بنابراین، آموزه‌های دینی در کنار نظریه انتخاب عقلانی، در کی مشابه از کارکرد هزینه-فایده در پیش‌گیری از جرم ارائه می‌دهند (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۸۸).

۴.۲.۳. تطبیق پیش‌گیری وضعی قرآن کریم با دیدگاه‌های نوین امنیتی

پیش‌گیری وضعی در آموزه‌های قرآن کریم، بیش از آنکه صرفاً واکنشی به تهدیدات بیرونی باشد، مبتنی بر اصلاح ساختارهای اجتماعی، تغییر رفتارهای جمعی و از میان بردن بسترهای وقوع جرم است. در این زمینه، قرآن کریم با تأکید بر تقوا، حیا، امر به معروف و نهی از منکر و پرهیز از فقر و بیکاری، بنیان‌گذار نوعی نظام امنیتی همه‌جانبه است که نه تنها مجرم، بلکه ساختار جرم‌زا را هدف قرار می‌دهد. در تطبیق با نظریات نوین امنیتی، رویکردهای وضعی در نظریه‌های مدرن نیز با کنترل فضاهای فیزیکی، استفاده از فناوری، حضور پلیس و مدیریت فرصت‌های ارتکاب جرم شناخته می‌شود. این نظریه‌ها مشابه قرآن کریم، بر پیش‌گیری پیشینی و حذف زمینه‌های جرم تأکید دارند، هرچند ابزارها و ساختار اجرایی آن‌ها متفاوت است.

آنچه در پیش‌گیری وضعی قرآن کریم حائز اهمیت است، ریشه‌کنی علل جرم در درون جامعه از طریق هنجارسازی، آموزش اخلاقی و تقویت بافت ایمانی است؛ در حالی که در رویکرد نوین امنیتی، تمرکز عمدتاً بر کنترل بیرونی و محدودسازی انتخاب‌های مجرم است. با این حال، هم در دیدگاه

قرآن کریم و هم در نظریه‌های نوین، اصل پیش‌گیری به‌جای واکنش پسینی مورد پذیرش است و این امر نشان می‌دهد که میان این دو گفتمان، می‌توان نوعی هم‌خوانی در زمینه مدیریت مجرم و کنترل جرم مشاهده کرد (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۵۲).

در نظریات جرم‌شناسی، به‌ویژه دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، پیش‌گیری وضعی نوعی مداخله در محیط اجتماعی برای جلوگیری از فرصت‌های مجرمانه تلقی می‌شود. این امر با تأکید بر افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، کاهش دسترسی به اهداف جرم و ایجاد بازدارندگی عینی مورد توجه قرار گرفته است.

آموزه‌های قرآن کریم نیز در مواردی چون توصیه به حفظ حریم‌های خانوادگی، پرهیز از اختلاط غیرضروری میان مردان و زنان، مراقبت از نگاه و پوشش و تأکید بر کار و اشتغال حلال، به‌صورت پیش‌گیرانه وضعی، زمینه‌های محرک جرم را کاهش می‌دهد. بدین‌سان می‌توان گفت بسیاری از دستورات اجتماعی قرآن کریم کارکرد پیش‌گیرانه دارند و قابل تطبیق با نظریه‌های نوین هستند که به دنبال تأثیرگذاری محیطی و ساختاری بر کاهش جرم‌اند.

به عبارت دیگر، این آموزه‌ها بدون آنکه به اجبار بیرونی متوسل شوند، با بازسازی ساختارها و محدود کردن مسیرهای جرم، کارکردی امنیتی دارند. همین موضوع زمینه تطبیق آن‌ها با رویکردهای نوین جرم‌شناسی و جامعه‌شناختی در حوزه امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

نگاه امنیت‌محور در قرآن کریم، با آموزه‌هایی چون حدود، تعزیرات و مفاهیم نظارت متقابل، در کنار وجدان بیدار دینی، سازوکاری منسجم از پیش‌گیری را شکل می‌دهد که در نظریات نوین نیز با تقویت نظام‌های نظارتی، دوربین‌های کنترل و پاسخگویی مدنی پی‌ریزی می‌شود.

نکته مهم در این تطبیق آن است که هر دو نظام به دنبال کاهش آسیب‌پذیری‌های محیطی هستند. در قرآن کریم، با منع اختلاط مفسده‌انگیز، نهی از ورود بدون اجازه و تأکید بر مراقبت‌های خانوادگی و اجتماعی، نوعی کنترل اجتماعی غیرمستقیم ایجاد می‌شود. در دیدگاه نوین نیز همین کنترل از طریق ابزارهای فناوری، قوانین شفاف و حضور فعال نهادهای امنیتی اعمال می‌گردد.

بدین ترتیب، پیش‌گیری وضعی در قرآن کریم با اصلاح مناسبات اجتماعی، بازطراحی رفتارها و ایجاد هنجارهای مستحکم، عملاً کارکرد نظریه‌های امنیتی مدرن را در قالبی بومی و دینی بازتولید می‌کند و نشان می‌دهد که دین می‌تواند بنیان‌گذار ساختارهای امنیتی مبتنی بر عدالت و اخلاق نیز باشد (امیریان فارسانی و قدیری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۲).

۵. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تحلیل قرآنی و جرم‌شناختی پیش‌گیری از جرم در سه سطح فردی، اجتماعی و وضعی انجام شد. بررسی آیات قرآن کریم و تحلیل دیدگاه‌های جرم‌شناختی نشان داد که پیش‌گیری از جرم در اندیشه قرآنی صرفاً به معنای جلوگیری از ارتکاب رفتار مجرمانه نیست، بلکه فرایندی جامع برای اصلاح انسان، جامعه و محیط اجتماعی است. برخلاف بسیاری از نظام‌های جزایی که تمرکز اصلی آن‌ها بر واکنش پس از وقوع جرم است، قرآن کریم با رویکردی پیش‌نگرانه، ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری جرم را هدف قرار داده و می‌کوشد پیش از وقوع جرم، زمینه‌های آن را از میان بردارد.

در پاسخ به سؤال اول تحقیق مبنی بر اینکه «پیش‌گیری فردی، اجتماعی و وضعی در قرآن کریم چگونه تبیین شده است؟» یافته‌ها نشان داد که قرآن کریم در حوزه پیش‌گیری فردی بر تزکیه نفس، تقوا، ایمان، نماز، روزه، توبه، ذکر الهی و کنترل تمایلات نفسانی تأکید می‌کند. این آموزه‌ها با ایجاد خودکنترولی و مسئولیت‌پذیری درونی، مهم‌ترین سد در برابر گرایش به جرم محسوب می‌شوند. قرآن کریم منشأ بسیاری از انحرافات و جرایم را در ضعف اراده، غلبه هوای نفس و دوری از ارزش‌های الهی می‌داند؛ از این رو اصلاح درون انسان را نقطه آغاز پیش‌گیری از جرم معرفی می‌کند. در پاسخ به سؤال دوم تحقیق درباره مصادیق پیش‌گیری اجتماعی در قرآن کریم، یافته‌ها نشان داد که استحکام خانواده، تربیت دینی، تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و گسترش ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین ابزارهای پیش‌گیری اجتماعی در قرآن کریم به شمار می‌روند. قرآن کریم جامعه را بستری تأثیرگذار بر رفتار انسان می‌داند و بر این اساس، سالم‌سازی محیط اجتماعی را شرط اساسی کاهش مجرمیت معرفی می‌کند. در این رویکرد،

خانواده نخستین نهاد پیش‌گیری از جرم و عدالت اجتماعی مهم‌ترین عامل جلوگیری از انحرافات ناشی از تبعیض، فقر و محرومیت تلقی می‌شود.

هم‌چنین بررسی آیات مرتبط با حجاب، کنترل نگاه، حفظ حریم‌های خصوصی، ممنوعیت ورود بدون اجازه به منازل و سایر قواعد رفتاری نشان داد که قرآن کریم در کنار اصلاح فرد و جامعه، به محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم نیز توجه ویژه دارد. این دسته از آموزه‌ها در چارچوب پیش‌گیری وضعی قابل تحلیل بوده و نشان می‌دهد که قرآن کریم با ایجاد موانع مشروع و منطقی، زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را کاهش می‌دهد.

مقایسه یافته‌های قرآنی با نظریات جرم‌شناسی معاصر نشان می‌دهد که میان این دو حوزه همگرایی قابل توجهی وجود دارد. آموزه‌های مربوط به تزکیه نفس، تقوا و کنترل درونی با نظریه‌های خودکنترولی و رویکردهای روان‌شناختی جرم‌شناسی همخوانی دارند. تأکید قرآن کریم بر خانواده، آموزش، عدالت اجتماعی و نظارت اخلاقی با نظریه‌های یادگیری اجتماعی، پیوند اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناختی جرم قابل مقایسه است. هم‌چنین تدابیری مانند حجاب، کنترل نگاه، رعایت حریم‌ها و محدودسازی موقعیت‌های جرم‌زا با مبانی پیش‌گیری وضعی، نظریه فعالیت روزمره، نظریه فرصت‌های مجرمانه و انتخاب عقلانی شباهت فراوان دارد.

با وجود این همسویی‌ها، تفاوت بنیادین میان رویکرد قرآن کریم و نظریات جرم‌شناسی معاصر در مبانی و اهداف آن‌هاست. نظریات جرم‌شناسی غالباً بر عوامل روانی، اجتماعی و محیطی تکیه دارند و هدف اصلی آن‌ها کاهش نرخ جرم و افزایش نظم اجتماعی است؛ اما قرآن کریم علاوه بر توجه به این عوامل، بر ابعاد معنوی، اخلاقی و اخروی رفتار انسان نیز تأکید می‌کند. در جرم‌شناسی معاصر، پیش‌گیری غالباً با تغییر شرایط بیرونی یا اصلاح رفتار فرد دنبال می‌شود، در حالی که در قرآن کریم، اصلاح قلب، تزکیه نفس، تقویت ایمان و احساس مسئولیت در برابر خداوند، زیربنای همه راهبردهای پیشگیرانه محسوب می‌شود. به بیان دیگر، جرم‌شناسی بیشتر به کنترل رفتار توجه دارد، اما قرآن کریم به اصلاح منشأ رفتار می‌پردازد.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم نظامی جامع، چندلایه و هماهنگ برای پیش‌گیری از جرم ارائه کرده است که در آن پیش‌گیری فردی، اجتماعی و وضعی مکمل یکدیگرند. این نظام نه تنها بسیاری از اصول مورد تأکید جرم‌شناسی معاصر را در بر دارد، بلکه با افزودن بُعد معنوی و اخلاقی، افق گسترده‌تری برای پیش‌گیری از جرم ترسیم می‌کند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های قرآنی ظرفیت بالایی برای غنا بخشی به سیاست‌های جنایی، برنامه‌های پیش‌گیری از جرم و راهبردهای اصلاحی در جوامع اسلامی دارند و می‌توانند در کنار دستاوردهای علمی جرم‌شناسی، الگویی جامع برای کاهش مجرمیت و تأمین امنیت اجتماعی ارائه نمایند.

۶. پیشنهادات

- ✧ آموزه‌های قرآنی مرتبط با پیش‌گیری از جرم در برنامه‌های آموزشی آکادمیک و مراکز علمی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
- ✧ ظرفیت‌های جرم‌شناختی آموزه‌های قرآن کریم در سیاست‌گذاری‌های جنایی کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.
- ✧ تحقیقات تطبیقی میان نظریه‌های نوین جرم‌شناسی و آموزه‌های قرآنی توسعه یابد.
- ✧ نهادهای فرهنگی و آموزشی در راستای تقویت خودکنترولی، مسئولیت‌پذیری و تربیت دینی، برنامه‌های مؤثرتری طراحی نمایند.
- ✧ لازم است نقش خانواده در پیش‌گیری اجتماعی از جرم در قرآن کریم به‌صورت عمیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- ۱) امیریان فارسانی، امین و قدیری، رشید. (۱۴۰۰). **پیش‌گیری از وقوع جرم با چشم‌انداز اسلامی**، نشر جهاد دانشگاهی چهارمحال و بختیاری.
- ۲) پیکا، ژرژ. (۱۳۷۰). **جرم‌شناسی**، مترجم: علی حسین نجفی ابرندی علی آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳) حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۸۰). **درس‌نامه جرم‌شناسی جنایی**، قم، دانشگاه قم و دانشگاه مجازی.
- ۴) خانعلی پور، سکینه. (۱۳۹۰). **پیش‌گیری فنی از جرم**، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۵) ریتیرز، جرج. (۱۳۷۴). **نظریه جرم‌شناسی در دوران معاصر**، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۶) صالحی، محمد شفیع. (۱۳۹۳). **کریمینولوژی**، کابل، انتشارات رسالت.
- ۷) طالبان، محمد رضا. (۱۳۷۶). **مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸) عزیزاده، مهدی. (۱۳۸۲). **نقش اسلام در پیش‌گیری و کاهش مجرمیت**، مشهد، انتشارات دانشگاه علوی اسلامی رضوی، چاپ اول.
- ۹) عمید، حسن. (۱۳۷۹). **فرهنگ عمید**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هجدهم.
- ۱۰) فاریابی، محمد عظیم. (۱۳۹۴). **کریمینولوژی**، کابل، انتشارات حامد رسالت، چاپ چهارم.
- ۱۱) نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). **پیش‌گیری از مجرمیت و پلیس محلی (مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم)**، تهران، معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم، چاپ اول.
- ۱۲) نوربها، رضا. (۱۳۹۱). **زمینه جرم‌شناسی**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- ۱۳) بابایی، محمد علی و نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). **چالش‌های پیش‌گیری وضعی از جرم**، تهران، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵.
- ۱۴) خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۸۹). **پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآن**، فصل‌نامه بصیرت دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، سال نهم، شماره ۳۰ و ۳۱.